

در زندگی، «کریس» باشیم یا «تونی کروز»؟

بحث روز فوتبال جهان در پی خداحافظی «تونی کروز» در ۳۴ سالگی وافت «مسی» و «رونالدو» در ۳۷ و ۳۹ سالگی این است که ستاره‌ها در اوج خداحافظی کنند یا نه؟

سیدمصطفی صابری | روزنامه‌نگار

پرونده

جام جهانی ۲۰۰۶ بود، «زیدان» با زوبند کاپیتانی فرانسه در مقابل ستاره برزیل از همه برزیلی‌تر بازی می‌کرد. هوش، مهارت و ظرافت بازی‌زیزی دوست داشتنی همه را متحیر کر ده بود و باعث شد برزیل با فوق‌ستاره‌هایی مثل رونالدو، رونالدینیو، کاکا و... حذف شود. «زیدان» فرانسه را تا فینال بر دو آخر ماجرا راه که همه می‌دانیم اما چیزی که در آن جام خیلی مشهود بود آمادگی بالای زیدان بود. بازیکنی که همه حسرت می‌خورند چرا باید در ۳۴ سالگی از فوتبال خداحافظی کند و دیگر فرصتی برای تماشای تکنیک نابش نخواهیم داشت. اما زیدان رفت و با همان مهارت‌های بی‌نظیر در ذهن فوتبالی‌ها ماندگار شد. این روزها که «تونی کروز» مهندس خط‌ممانی آلمان و رئال، با آن پاس‌های خط‌کشی شده و دقیق و مهارت‌د هنی و بدنی فوق‌العاده از فوتبال ملی و باشگاهی خداحافظی کرده، همه را و مقابل مسی و رونالدو می‌بینند. کروز که تا آخرین بازی مقابل اسپانیا تحسین شد و مسی و رونالدو که این روزها بعد از بازی‌های باشگاهی فشرده آن طراوت همیشگی را در ۳۷ و ۳۹ سالگی ندارند. خیلی‌هایی گویند فوتبال‌بست باید قبل از این که افت کند و روی سکوها او را نخواهند در اوج خداحافظی کند و خیلی هم معتقدند باید زمان خداحافظی از فوتبال برسد و یکی دو بازی بد فراموش می‌شود اما رکورددهایی مثل تعداد بازی ملی، جام‌ها و گل‌ها ماندگار تر هستند. به‌بهانه این که کریس رونالدو گفته تا جام جهانی ۲۰۲۶ بازی خواهد کرد و در شرایطی که تونی کروز خداحافظی در داشته سراغ این موضوع رفتیم که فوق‌ستاره‌ها در چه سنی با فوتبال وداع کردند و چه خاطره‌ای به جا گذاشتند.

چرا خداحافظی در اوج مهم است؟

دوباره برگردیم سراغ جام جهانی ۲۰۰۶، جایی که بازی با انگولا آخرین بازی کاپیتان علی‌دایی را رقم زد. شهریار فوتبال ایران در آن بازی یک موقعیت خوب را خراب کرد و از روی سکوها مردان انتقاد قرار گرفت. هر چند دایی هنوز هم محبوب است اما آن روزها محبوبیت فوتبالی نداشت و احساس می‌شد خودش را به تیم ملی تحمیل کرده است. بعدها که بازیکنانی مثل عنایتی، خطیبی، برهانی و... که سال‌ها در تیم ملی پشت خط علی‌دایی مانده بودند فرصت بیشتری برای بازی پیدا کردند فهمیدیم به دلایل زیادی همان علی‌دایی پایه‌سن گذاشته برای ما بهتر بود اما هوادار در لحظه متوجه این موضوع نیست و بیش از هر زمانی دنبال مقصری برای شکست‌های می‌گردد. خداحافظی در اوج این ویژگی را دارد که آخرین خاطره را به بهترین شکل می‌سازد. به یادماندنی‌ترین و شیرین. خیلی از بازیکنان ایرانی و خارجی که در اوج فوتبال کنار رفتند فرصت یک بازی خداحافظی باشکوه با پیراهن ملی را هم از دست دادند. به‌طور مثال در نسل فعلی تیم ملی بازیکنانی مثل حاج‌صفی، انصاری فرد و... اگر از تیم ملی کنار می‌رفتند به مراتب برای شان بهتر بود تا این که خداحافظی نکنند اما توسط سرمربی به تیم ملی دعوت نشوند. موضوعی که سال‌ها در خشخ و خاطره‌سازی را خدشه‌دار می‌کند. البته اگر از این دو مصداق آخر خاطره‌ویژه‌ای داشته باشیم. هر چند خداحافظی در اوج به خیلی چیزها بستگی دارد، وضعیت جسمانی، ذهنی، بازیکنان ذخیره و جایگزین، تفکرات مربی و اهمیت تورنمنتی که یک تیم در آن حضور دارد. خیلی از بازیکنان بزرگان قدر از فوتبال ملی کنار نمی‌روند تا مثل اولیور ژور و در فرانسه در ۳۶ سالگی نیمکت‌نشین شوند. در حالی که نیمکت‌نشین برای بازیکنان جوان و با انگیزه خوب است که کم‌کم تجربه کسب کنند. خیلی از بازیکنان مثل ارافاقل مارکر در مرکزیک و روزه‌میلا هم بودند که در اوج خداحافظی می‌کردند اما به اصرار هواداران و رسانه‌ها بر می‌گشتند. در چنین حالتی هم اگر عملکرد در درخشان نباشد چون احساس تحمیل کردنی در کار نیست خاطره خوب مردم از آن بازیکنان مخدوش نمی‌شود. به‌نظر شما کریس و مسی در کدام دسته قرار می‌گیرند؟ هواداران و هم‌تیمی‌ها پذیرش ادامه حضور آن‌ها را دارند یا نه؟ به‌خاطر رکورد خودشان ادامه می‌دهند یا تیم؟ بهترین تصمیم برای این دو بازیکن چیست؟

فوتبال‌بست‌ها را با چه خاطراتی به یاد می‌آوریم؟

بیشتر خاطرات ما از ستاره‌ها مربوط به درخشش‌های ویژه‌آن‌هاست نه استمرار شان. به‌طور مثال رونالدو برزیلی را با گلی که در ۱۹ سالگی و بعد از درپیل ۸ نفر ز ده‌یاد می‌آوریم. فان‌باستن هلندی را با گل‌های آکروباتیک، وگر نه این بازیکن بزرگ که در ۳۱ سالگی و بعد از مصدمیت‌های مکرر ناچار به خداحافظی شد. هر چه این درخشش‌ها در تورنمنت‌های بزرگ‌تری باشد شانس ماندگاری یک فوتبالیست در حافظه جمعی هواداران بیشتر است. به‌طور مثال مارادونا که تجربه حضور در بارسا را در بیشتر دوران پر فروغ باشگاهی را در ناپل بود و هر چند در ایتالیا درخشید، اما در سطح لیگ قهرمانان اروپا خاطره‌ویژه‌ای نداشت. از حدود ۳۰ سالگی به بعد هم درگیر حواشی زیادی مثل اعتیاد، اتهام دوپینگ، محرومیت و مشکلات خانوادگی بود اما فقط و فقط جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک برای ماندگار شدن مارادونا کافی بود. همان‌طور که جام ۱۹۹۴ عامل ماندگاری و محبوبیت باجیویی شد که بعد از آن در سطح ملی و باشگاهی استمرار چندانی نداشت. حتی زیدان را که در مسابقات زیادی درخشید بیشتر از گلش در فینال لیگ قهرمانان اروپا، با جام‌های جهانی ۹۸ و ۲۰۰۶ می‌شناسیم. جایی که دو گل در یک فینال و یک گل و یک کارت قرمز در فینال بعدی نصیبش شد. از طرفی ناکامی در یک تورنمنت می‌تواند اعتبار یک فوتبالیست را بدجوری خراب کند. به‌طور مثال ماتئوس که با آلمان قهرمان جهان شد و سال‌ها جزو بهترین‌ها بود با حضور در یورو ۲۰۰۰، زمانی که ۲۸ سال داشت از محبوبیت خود کاست و آخرین تصویر از او در حالی در ذهن فوتبالی‌ها ثبت شد که ناکام بزرگ جام بود. کریس در یورو ۲۰۲۴، ۲۰ سال بعد از اولین یورویی که شرکت کرد و اتفاقا خوش درخشید، نه تنها گل نز، بلکه پناالتی خراب کرد و تیمش هم حذف شد. مسی هم وضع مشابهی دارد. واقعیت این است که هر دو این فوق‌ستاره‌ها همین که تا این سن ادامه دادند اتفاق بزرگی است و کاش به بازی‌های پر فشار باشگاهی بسنده می‌کردند تا محبوبیت‌شان تحت الشعاع میل برای شکستن رکورد‌ها قرار نگیرد.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان رضوی

سه شنبه • ۱۹ تیر ۱۴۰۳

۳ محرم ۱۴۴۶ • ۹ جولای ۲۰۲۴

شماره ۲۱۵۳۳

۲۷۵۲

ستاره‌هایی که دیر خداحافظی کردند

دیر خداحافظی کردن از فوتبال نه می‌تواند دلیلی برای کسب افتخارات بیشتر باشد، نه دلیلی بر کاهش محبوبیت. بسیاری از بازیکنان دیر خداحافظی کردند اما محبوب ماندند، خیلی‌ها هم دیگر نشانی از آن روزهای باشکوه نداشتند اما لااقل در باره فوق‌ستاره‌ها که به همه چیز در فوتبال رسیدند می‌توان گفت که شاید خداحافظی به‌موقع خاطره بهتری را در ذهن‌ها حک کند اما برویم سراغ آن‌هایی که دیر خداحافظی کردند.

زالاتان خودشیفته و موفق

زالاتان تا ۴۱ سالگی به فوتبال ادامه داد و جالب این که کیفیتش را حفظ کرد. بازیکنی که هیچ کس متوجه نمی‌شود در ذهنش چه می‌گذرد. پیچیده، از خودراضی اما با کیفیت. اوتاروهای پایانی فونبالش خوب بازی کرد و سبک خودش را در گلزنی داشت.

بوفون ول کن جون ما

باورش سخت است اما این دروازه‌بان افسانه‌ای ۴۵ سالگی به فوتبال ادامه داد. او ۲۱ سال عضو تیم ملی ایتالیا بود، یعنی تا ۴۰ سالگی. در سال‌های آخر فوتبالش ستاره نبود اما محبوب ماند. حتی وقتی با پارما سطح دوم فوتبال کشورش را انتخاب کرد. این هم مورد خاص آقای دروازه‌بان.

لوتار ماتئوس به خودت بیا مرد

ماتئوس برای بچه‌های دهه شصتی جدی‌ترین رقیب مارادونا بود. کاپیتان تیم ملی آلمان که دو فینال جام جهانی را تجربه کرد و هر دو هم مقابل مارادونا. بازیکنی بی‌نظیر و توانمند که می‌توانست در چند پست بازی کند و در پایان دوران فوتبالش یک سبک جدید را وارد فوتبال کرد. او از خط دفاع بازی‌سازی می‌کرد و به تیم نظم، حوصله و آرامش می‌داد اما یورو ۲۰۰۰ چندان برای شهرت او خوش‌یمن نبود و هواداران آلمانی بعد از حذف تیم‌شان همه کاسه کوزه‌ها را سر ماتئوس ۳۸ ساله شکستند تا ناچار به خداحافظی شود.

لوکا مودریچ چرا تیم تو نمی‌شی آخه؟

مودریچ ۳۸ ساله است و به‌عنوان یک هافبک وسط چالش بزرگی پیش‌رو دارد. باید دوندگی بازی کند، بازی حریف را تخریب کند و از قضا او هنوز خوب است. شاید یک مشکل مهاجمان این باشد که باید گل بزنند و گر نه مورد انتقاد قرار می‌گیرند و بلافاصله عملکردشان با موضوع گل‌زنی مقایسه می‌شود مثل مسی و کریس اما هافبک‌ها و مدافعان این شانس را دارند که با بازی خوب خودی نشان دهند. مثل مودریچ ۳۸ ساله و پوله مدافع پرتغال که در همین یورو یا ۴۱ سال سن خوب بازی می‌کرد.

توتی جای تو نیمکت نبود

توتی از معدود فوتبالیست‌های جهان بود که ربع قرن در یک تیم بازی کرد، یعنی از ۱۶ سالگی تا ۴۱ سالگی. اما کاپیتان محبوب رم در سال‌های آخر بازی نیمکت‌نشین شد. چیزی که با جایگاه‌او منافات داشت، اما توتی ادامه دادن را انتخاب کرده بود و به‌رغم همه این‌ها محبوب ماند.

نویر بهتر تمومش کنی

نویر ۲۸ ساله سال‌هاست یک دروازه‌بان توانمند و باغ به نام ترشتگن را در تیم ملی آلمان به‌عنوان رقیب و ذخیره خودش می‌بیند. او که از سرمربی این روزهای آلمان‌ها هم بزرگ‌تر است در لیگ قهرمانان و یورو عملکرد خوبی نداشت اما فیکس بایرن و آلمان ماند تا انتقادهای زیادی متوجهش شود. شاید در بین ستاره‌هایی که این روزها سن‌شان بالا رفته نویر از همه زودتر باید فکر خداحافظی باشد به خصوص آن که رقیب سرسختی هم روی نیمکت دارد.

روماریو فاجعه محض

ستاره تیم ملی برزیل و بارسادر دهه ۹۰ میلادی که این روزها سیاستمدار شده تا ۴۰ سالگی بازی کرد و به هیچ تیمی که پهل خوب می‌دادند نمی‌گفت. او حتی در همان سن سال‌ها هوس بازی در لیگ برتر ما هم به سرش زد اما آن قدر ناآماده بود که تیم لیگ برتری مادر لحظات آخر قید عقد قرار داد باور از د. خلاصه آن روزها باید به ایشان می‌گفتم: چی به سرخودت آوردی روماریو؟

دل‌پیرو ماجرا هندی می‌شود

دل‌پیرو ستاره تکنیکی یوونتوس و تیم ملی ایتالیا هم سال‌های آخر فوتبالش تجربه‌ای عجیب را از سر گذراند. اگر کریس به لیگ عربستان آمده که این روزها سطح بالایی دارد و پیر شده از ستاره، دل‌پیرو سال‌آخر به لیگ هند رفت که تازه شکل گرفته بود و سطح بسیار پایینی داشت. عجیب این که در آن‌جا چندان هم موفق نبود و فقط یک گل زد.



و اما خداحافظی‌های به موقع

ترجیح هواداران این است که ستاره محبوب‌شان را بیشتر در مستطیل سبز ببینند اما فوتبال بی‌وفاست و اگر بازیکنی درخشش نداشته باشد همان هوادار او را نخواهد بخشید. خیلی از بازیکنان با علم به این موضوع زمان خوبی را برای خداحافظی انتخاب کردند که مرورشان می‌کنیم.

فان‌باستن امان از مصدمیت

فان باستن می‌توانست بعد از مصدمیت‌های مکرر در به فوتبال برگردد، اما او خداحافظی در ۳۱ سالگی را انتخاب کرد تا در اوج رفته باشد. بازیکنی که نوک مثلث جذاب هلندی‌های میلان بود و باتیم ملی کشورش هم خوش درخشید بود و با برگردان‌های زیبا و پرش‌های بلند شناخته می‌شد.

کانتونا چرا قهر کردی؟

کانتونا هم در ۳۱ سالگی خداحافظی کرد، بازیکنی کاربزماتیک و مغرور که شاید فقط زالاتان را بتوان در این شکل رفتار به او تشبیه کرد. کاپیتان اخموی منچستر که بعد از گلزنی هم نمی‌خندید و ژست‌های عجیب می‌گرفت. مردی با آستین‌های تاخورد و یقه‌ای که بالا زده می‌شد. کانتونا بعد از درگیری با یک هوادار محروم شد و بعد از مدتی هم بی‌خیال فوتبال شد تا در سینما از هوادارانش دلبری کند که انصاف‌ادر این یکی هم به شدت موفق بود.

فلیپ لام بی‌حاشیه و موفق

بسیاری از فوتبالیست‌های معروف وقتی در سن کم خداحافظی کردند که دیگر در اوج نبودند؛ به‌طور مثال چند ماه قبل شاهد خداحافظی ادن هازارد بودیم آن‌هم در ۳۳ سالگی. اما یک مسئله مهم در این باره وجود داشت. هازارد بعد از چند مصدمیت، در رئال

ستاره‌هایی که خداحافظی‌شان از فوتبال ملی زودتر از باشگاهی بود

خیلی از ستاره‌ها موعد خداحافظی از فوتبال ملی را از باشگاهی جدا می‌کنند و با این انتخاب هوشمندانه هم به ادامه کارشان برای کسب درآمد یا افتخار بیشتر در فوتبال ادامه می‌دهند، هم فرصت محبوب بودن بین هواداران با خداحافظی به موقع را از دست نمی‌دهند و هم باعث می‌شوند بازیکنان جوان زیر نام‌ها قرار نگیرند و فرصت خودنمایی پیدا کنند. سه بازیکن شاخص را که چنین انتخابی داشتند، در ادامه مرور می‌کنیم:

فیکو سلطان در پیل دو طرغه

فیکو ستاره خوش‌تیپ تیم ملی پرتغال و رئال مادرید با آن درپیل‌های دو طرغه تماشایی تا ۲۰۰۶ و زمانی که ۳۴ ساله بود در فوتبال ملی حضور داشت، در دست مثل زیدان. اما فوتبال باشگاهی را تا ۳۷ سالگی ادامه داد تا لااقل در آمد بیشتری کسب کند. این هم در نوع خودش تصمیم خوب و حساب‌شده‌ای است. حیف این روزها ستاره‌ها تصمیم می‌گیرند برای پول بیشتر در لیگ‌های غیرمعتبر حضور داشته باشند و مثل بنزماروی اعتبارشان ریسک بزرگی می‌کنند.

روبرتو کارلوس شوت‌زن محض

شاید در تاریخ فوتبال کمتر دفاع‌چی بتواند جایگاه کارلوس را کسب کند. گلی که او در یک بازی دوستانه به فرانسه زد هنوز به‌عنوان شوتی که قوانین فیزیکی را نقض کرد معروف است. کارلوس در ۳۳ سالگی و در شرایطی که هنوز می‌توانست به فوتبال ملی ادامه دهد از تیم ملی کشورش خداحافظی کرد اما تا

۶ سال بعد در بازی‌های باشگاهی جدا می‌کنند و با این انتخاب هوشمندانه هم به ادامه کارشان برای کسب درآمد یا افتخار بیشتر در فوتبال ادامه می‌دهند، هم فرصت محبوب بودن بین هواداران با خداحافظی به موقع را از دست نمی‌دهند و هم باعث می‌شوند بازیکنان جوان زیر نام‌ها قرار نگیرند و فرصت خودنمایی پیدا کنند. سه بازیکن شاخص را که چنین انتخابی داشتند، در ادامه مرور می‌کنیم:

۶ سال بعد در بازی‌های باشگاهی حضور داشت.

یانولو مالدینی خوش‌تیپ‌ترین دفاع چپ تاریخ

مالدینی از ۱۸ سالگی در تیم ملی ایتالیا درخشید و تا ۳۴ سالگی رکورددهای زیادی را به جا گذاشت، اما ۷ سال زودتر از خداحافظی همیشگی‌اش با فوتبال تصمیم گرفت تیم ملی را تنها بگذارد و روی فوتبال باشگاهی زوم کند. او تا ۴۱ سالگی در فوتبال باشگاهی بود و از نظر ظاهر، اخلاق و توانایی فردی یکی از بهترین‌ها باقی ماند.

